

{کاش من یک بچه آهو می شدم
می دویدم روز و شب در دشتها} (2)
توی کوه و دشت و صحرا روز و شب
می دویدم تا که می دیدم تو را (2)
چونکه روزی مادرم می گفت تو
دوست با یک بچه آهو بوده ای
خوش به حال بچه آهوایی که تو
توی صحرا ضامن او بوده ای (2)
پس بیا من بچه آهو می شوم
بچه آهوایی که تنها مانده است
بچه آهوایی که تنها و غریب
در میان دشت و صحرا مانده است (2)
{ روز و شب در انتظارم پس بیا
دوست شو با من مرا هم ناز کن } (2)
بند غم را از دو پای کوچکم
با دو دست مهربانت باز کن (2)

{کاش من یک بچه آهو می شدم
می دویدم روز و شب در دشتها} (2)
توی کوه و دشت و صحرا روز و شب
می دویدم تا که می دیدم تو را (2)
چونکه روزی مادرم می گفت تو
دوست با یک بچه آهو بوده ای
خوش به حال بچه آهوایی که تو
توی صحرا ضامن او بوده ای (2)
پس بیا من بچه آهو می شوم
بچه آهوایی که تنها مانده است
بچه آهوایی که تنها و غریب
در میان دشت و صحرا مانده است (2)
{ روز و شب در انتظارم پس بیا
دوست شو با من مرا هم ناز کن } (2)
بند غم را از دو پای کوچکم
با دو دست مهربانت باز کن (2)

{کاش من یک بچه آهو می شدم
می دویدم روز و شب در دشتها} (2)
توی کوه و دشت و صحرا روز و شب
می دویدم تا که می دیدم تو را (2)
چونکه روزی مادرم می گفت تو
دوست با یک بچه آهو بوده ای
خوش به حال بچه آهوایی که تو
توی صحرا ضامن او بوده ای (2)
پس بیا من بچه آهو می شوم
بچه آهوایی که تنها مانده است
بچه آهوایی که تنها و غریب
در میان دشت و صحرا مانده است (2)
{ روز و شب در انتظارم پس بیا
دوست شو با من مرا هم ناز کن } (2)
بند غم را از دو پای کوچکم
با دو دست مهربانت باز کن (2)

{کاش من یک بچه آهو می شدم
می دویدم روز و شب در دشتها} (2)
توی کوه و دشت و صحرا روز و شب
می دویدم تا که می دیدم تو را (2)
چونکه روزی مادرم می گفت تو
دوست با یک بچه آهو بوده ای
خوش به حال بچه آهوایی که تو
توی صحرا ضامن او بوده ای (2)
پس بیا من بچه آهو می شوم
بچه آهوایی که تنها مانده است
بچه آهوایی که تنها و غریب
در میان دشت و صحرا مانده است (2)
{ روز و شب در انتظارم پس بیا
دوست شو با من مرا هم ناز کن } (2)
بند غم را از دو پای کوچکم
با دو دست مهربانت باز کن (2)